

هفدهم ربیع الأول ولادت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله)

<"xml encoding="UTF-8?">



مقدمه

بی تردید، ولادت انبیای الهی و تربیت آنها بدون توجه و برنامه ی الهی نبوده؛ به تصریح قرآن، آنها قبل از ولادت (1) و در کودکی، پس از تولد تا آخر عمرشان مورد توجه خاص پروردگار متعال هستند؛ پیامبر خاتم، حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) نیز بیشتر از انبیای دیگر مورد توجه خداوند بوده: «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى...» (2) ای پیامبر تو در کودکی یتیم و بی پناه بودی، خداوند تورا پناه داد، در جای دیگر درباره مقام معنوی پیامبر می فرماید: «ای پیامبر مادامی که تو در بین مردم هستی خداوند آنان را عذاب نمی کند» (3) درآیه ی دیگر می فرماید: «وَمَا كَانَ لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ...» (4) به هیچ وجه شما حق ندارید به پیامبر آزار برسانید. براین اساس که پیامبران از سوی خداوند مورد حمایت بودند تولد آنان نیز با علائمی بارز و مشخص همراه بود ؛ در ولادت پیامبر اکرم برخی نشانه ها گفته شد که در این نوشته به اجمال اشاره می شود.

پیامبر اکرم حضرت محمد (صلی الله علیه و آله) در هفدهم ربیع الاول (5) و در سالی که اصحاب فیل برای خراب کردن کعبه معظمه وارد مکه شدند به دنیا آمد (6)؛ در هنگام ولادت آن حضرت معجزات و اتفاقاتی به وقوع پیوست که به آنها اشاره می شود:

بسته شدن درهای آسمان به روی ابلیس و پیروان او

از حضرت صادق (علیه السلام) روایت شده است که ابلیس به هفت آسمان می رفت و خبرهای سماویّه را می شنید، وقتی که حضرت عیسی (علیه السلام) متولّد شد او را از سه آسمان منع کردند و چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله) متولّد شد او را از همه آسمانها منع کردند و شیاطین را با تیرهای شهاب از درهای آسمان راندند، پس قریش گفتند: حتماً وقت تمام شدن دنیا و آمدن قیامت است که اهل کتاب (یهود و نصاری) ذکر می کردند و ما شنیدیم، عمرو بن امیه که داناترین مردم دوران جاهلیّت بود گفت: نگاه کنید به ستاره های معروف که مردم با آنها زمانهای زمستان و تابستان را می شناسند اگر یکی از آنها بیفتد، بدانید وقت آن است که همه خلایق هلاک شوند و اگر آنها به حال خود و ستاره های دیگر ظاهر شوند پس امر غریبی اتفاق خواهد افتاد. (7) وقتی رسول خدا (صلی الله علیه وآله) متولّد شد، دیوها نیز از حریم آسمان ها رانده شدند؛ آنان که دسترسی به برخی از امور عالم و برخی از اخبار داشته و در زمان پیامبران پیشین می توانستند به آسمانها و برخی از علوم دسترسی داشته باشند، چنانکه در داستان حضرت سلیمان و آوردن تخت بلقیس فردی ادعا می کند که من آنرا می آورم قبل از آنکه تو از جای خود برخیزی. (8)

نزول بلا برای گناه کاران

و مردم را زمین لرزه ای فرا گرفت که به همه جای دنیا رسید تا آنجا که کلیسا ها ویران گشت و چیزی که جز خدا پرستش می شد از جای خود کنده شد و ستارگانی هویدا گشت که پیش از آن دیده نمی شد و کاهنان یهود از آن در شگفت ماندند. (9)

آسیب دیدن کاخ مستکبران و محو علائم شرک

ایوان کاخ کسری یعنی امپراطور ایران به لرزه درآمد و چهار کنگره آن افتاد و آتشکده فارس که هزار سال خاموش نشده بود در آن شب خاموش شد و داناترین علمای مجوس در آن شب در خواب دید که شترانی عربی اسبانی سرکش را می کشند و از دجله گذشتند و داخل بلاد ایشان شدند، (10) و طاق کسری از میانش شکست و دو حصّه شد و آب دجله شکافته شد و در قصر او جاری گردید و نوری در آن شب از طرف حجاز ظاهر شد و در عالم منتشر گردید و پرواز کرد تا به مشرق رسید، هر بتی که در هر جای عالم بود بر رو افتادند و دریاچه ساوه که سالها آن را می پرستیدند فرو رفت و خشک شد و وادی سماوه که سال ها بود کسی آب در آن ندیده بود آب در آن جاری شد. (11)

و تخت هر پادشاهی در آن صبح سرنگون شده بود و جمیع پادشاهان در آن روز لال بودند و سخن نمی توانستند بگویند و علم کاهنان برطرف شد و سحر ساحران باطل شد و هر کاهن و پیش گوئی که بود میان او و همزادی که داشت و خبر ها را به او می داد جدایی افتاد و قریش در میان عرب بزرگ شدند و ایشان را آل الله گفتند، چونکه آنان در خانه خدا بودند. (12) و آمنه مادر پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) گفت: که چون پسر بر زمین رسید دست ها را بر زمین گذاشت و سر به سوی آسمان بلند کرد و به اطراف نظر کرد پس از او نوری ساطع شد که همه چیز را روشن کرد و به سبب آن نور قصرهای شام را دیدم و در میان آن روشنی صدایی شنیدم که قائل می گفت: زاییدی بهترین مردم را، پس نام او را محمد بگذار. (13)

به صدا درآمدن نوای توحید و شادی کائنات و زنگ خطر برای شرک و مشرکان

حضرت امیر المؤمنین (علیه السلام) روایت شده است که چون آن حضرت متولد شد بت ها که بر کعبه گذاشته بودند همه بر رو افتادند و چون شام شد این ندا از آسمان رسید که: «جاء الحق و زهق الباطل إن الباطل كان زهوقاً» (14) حق آمد و باطل نابود شد همانا باطل نابود شدنی است. (15) و جمیع دنیا در آن شب روشن شد و هر سنگ و کلوخی و درختی خندید و آنچه در آسمانها و زمین ها بود تسبیح خدا گفتند و شیطان گریخت و می گفت: بهترین امته و بهترین خلائق و گرمی ترین بندگان و بزرگ ترین عالمیان محمد (صلی الله علیه و آله) است. (16)

امید داریم که بزودی علائمی نظیر این علائم برای ظهور حضرت ولی عصر (عج) بوقوع بپیوندد و سران کفر و شرک و ظلم هراسان و کاخهای ستم فرو ریخته و نوای جاء الحق و زهق الباطل از آسمان دگرباره شنیده شود

تجلی نور حق و تولد محمد (صلی الله علیه و آله)

مرحوم طبرسی در کتاب احتجاج از امام موسی (علیه السلام) روایت کرده است که چون پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله) از شکم مادر به زمین آمد دست چپ را بر زمین گذاشت و دست راست را به سوی آسمان کرد و لبهای خود را به توحید به حرکت آورد و از دهان مبارکش نوری ساطع شد که اهل مکه قصرهای بصری و اطراف آن را که از شام است دیدند و قصرهای سرخ یمن و نواحی آن را و قصرهای سفید اصطخر فارس و حوالی آن را دیدند و در شب ولادت آن حضرت دنیا روشن شد تا آن که جن و انس و شیاطین ترسیدند و گفتند در زمین امر غریبی رخ داده است ملائکه را دیدند که فرود می آمدند و بالا می رفتند و تسبیح و تقدیس خدا می کردند و ستاره ها به حرکت آمدند و در میان هوا می ریختند. (17)

کودکی با برکت و نوجوانی بردبار وامین

پیامبر گرامی اسلام در دوره شیرخوارگی فقط سه روز از مادر خود شیر خورد و مشهور وقطعی این است که پس از او تنها حلیمه افتخار دایه گی پیامبر را داشته است.

حلیمه: پس از چهار ماه دایگان قبیله بنی سعد به مکه آمدند و در آن سال قحطی شدیدی بود به این لحاظ بیش از پیش به کمک اشراف نیازمند بودند. حلیمه دختر ابوذویب تنها زنی بود از میان دایگان که پیامبر گرامی از او شیر خورد، حلیمه پنج سال افتخار دایگی پیامبر را داشت.

به شهادت قرآن پیامبر در دوران کودکی یتیم بوده است و مورد توجّه خاص خداوند متعال بوده «أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَآوَى» (18) و همه تاریخ نویسان و دانشمندان به دوران کودکی پیامبر که بسیار شگفت انگیز و حیرت آور بوده است اشاره کرده اند و از زبان حلیمه سعدیه دایه پیامبر حوادث شگفت انگیز و کرامات بسیاری از دوران شیرخوارگی پیامبر نقل کرده اند و صفحات تاریخ گواهی می دهد: زندگانی رهبر عالیقدر مسلمانان از آغاز کودکی تا روزی که برای پیامبری مبعوث شد، متضمن یک سلسله حوادث شگفت انگیز است و تمام این حوادث شگفت انگیز جنبه کرامت داشته و گواهی می دهند که زندگی حضرت و سرگذشت وی عادی نبوده است. (19).

پیامبر (صلی الله علیه وآله) که در کودکی تحت سرپرستی جدش عبدالمطلب بود و به دایه ای سپرده شد که درست پنج سال در صحرا پیش او بسر برد که داستان های حیرت آور در این دوره از زبان دایه اش و خود پیامبر در منابع تاریخی ذکر شده (20) حلیمه کرامات زیادی نقل کرده از جمله گفته است که درخت خشکی در محل زندگی ما بود وقتی او را درآغوشم به کنار درخت بردم آن درخت سبز شد و میوه داد؛ (21) از جمله اخلاق و سیره آن حضرت در این دوره، این بود که بسیار باحیا و عفت بود و از روزی که در خانواده حلیمه حضور یافت وسعت و برکت و رزق و روزی در آن خاندان افزون شد؛ از ابن عباس نقل شده که وقتی چاشت برای اطفال طعام می آوردند آنها از یکدیگر می ربودند و آن حضرت دست دراز نمی کرد و چون کودکان از خواب بیدار می شدند دیده هایشان آلوده بود و آن حضرت با روی شسته و خوشبو از خواب بیدار می شد؛ از حلیمه نقل شده که هیچ وقت بدن او را کسی نمی دید و نخست مراقبت از پوشش خود می نمود و در این مدت همواره کسی مراقب او بود و کسی او را هنگام تخی ندید و بسیار باحیا و عفیف و نورانی بود و نیز نقل شده که هیچ وقت اظهار گرسنگی و تشنگی نمی کرد و از آب زمزم می نوشید.

امیرالمؤمنین (علیه السلام) در نهج البلاغه می فرماید: خداوند پیامبر خویش را از کودکی با ملکی بزرگ همراه نمود و در شبانه روز حضرت را بر مکارم و آداب و اخلاق الهی آراسته می کرد. (22)

در مدتی که حضرت در پیش حلیمه بود حلیمه او را هر از چند گاهی پیش مادرش در مکه می برد حضرت در بین قبیله سعد که به فصاحت در بین عرب شهرت داشتند زبان عربی فصیح را یاد گرفت که خود حضرت به آن اشاره

فرموده اند. بعد از بازگشت به آغوش خانواده به همراهی مادر عزیزش به یثرب برای زیارت قبر پدرش روانه شدند در همین سفر غم فقدان پدرش با غم فقدان مادر افزون شد و دل رهبر و پیامبر آینده مسلمانان از غم فقدان مادر متألم شد.

اما فقدان مادر و پدر عزت و احترام او را در پیش خاندانش بیشتر نموده که این از الطاف خفیه الهی بود. عبدالمطلب جدش، سرپرستی او را به عهده گرفت و خیلی او را دوست می داشت (23) اما چیزی نگذشت که او را نیز از دست داد و بنابر وصیت او سرپرستی محمد (صلی الله علیه وآله) به عمویش ابوطالب سپرده شد که با پدر پیامبر برادر تنی بودند لذا خیلی به او علاقه داشت. (24)

و هم چنین به همراهی عمویش در مسافرت تجاری به شهر شام شرکت نمود (25) در دوازده سالگی این مسافرت برای حضرت بسیار شیرین و خوش خاطره بود؛ درنوجوانی آن حضرت مدتی به چوپانی در صحرا مشغول بوده و این دوره نیز از لحاظ روحی و عاطفی برای حضرت مهم و خوشنود کننده بود. (26)

دوران کودکی و نوجوانی حضرت بسیار پرحادثه و شگفت انگیز بوده است که در منابع می توان به تفصیل مطالعه کرد.

پی نوشت ها:

1. مانند: حضرت عیسی (سوره مریم /30 آتانی الکتاب وجعلنی نبیا)؛ و حضرت موسی (قصص /7 و10 و طه /41 و اصدتنتک لنفسی یا موسی).

2. ضحی /6.

3. انفال/33.

4. احزاب /53.

5. شیخ کلینی، الکافی، تحقیق: علی اکبر غفاری، دارالکتب الاسلامیه، 1389، جلد 1، صفحه 439، و محمد باقر مجلسی، بحار الانوار، الطبعة الثانیة، مؤسسه الوفاء، لبنان، بیروت، 1403 هجری، جلد 15، صفحه 348.

6. احمد بن اسحاق یعقوبی، تاریخ یعقوبی، ترجمه: محمد ابراهیم آیتی، چاپ نهم، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی، 1382، جلد 1، صفحه 358.

7. ابن شهر آشوب سروی مازندرانی، مناقب، مؤسسه انتشارات علامه، قم، بی تا، جلد 1، صفحه 31؛ و علامه محمد باقر مجلسی، پیشین، جلد 15، صفحه 257.

8. نمل /39 و40.

9. احمد بن اسحاق یعقوبی، پیشین، جلد 1، صفحه 359.

10. ابوالفداء الحافظ ابن كثير، البدايه و النهايه، مكتبه المعارف، بيروت، 1410 هجرى، جلد 2، صفحه 268؛ و علامه محمد باقر مجلسى، پيشين، جلد 15، صفحه 257؛ و احمد ابن اسحاق يعقوبى، پيشين، جلد 1، صفحه 359.

11. ابوالفداء الحافظ ابى كثير، پيشين، جلد 2، صفحه 268 و 269؛ و علامه محمد باقر مجلسى، پيشين، جلد 15، صفحه 257 و 258.

12. ابن شهرآشوب سروي مازندراني، پيشين، جلد 1، صفحه 30.

13. ابن هشام، سيره النبويه، داراحياء التراث العربى، بيروت، لبنان، جلد 1، صفحه 166.

14. سوره اسراء، آيه 81.

15. ابن شهرآشوب، پيشين، جلد 1، صفحه 31، و علامه محمد باقر مجلسى، پيشين، جلد 15، صفحه 274.

16. علامه محمد باقر مجلسى، حياه القلوب، تحقيق: سيد على اماميان، چاپ چهارم، قم: انتشارات سرور، 1382، جلد 3، صفحه 141؛ و محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، پيشين، جلد 15، صفحه 274.

17. قطب الدين راوندى، الخرائج و الجرائح، التحقيق: مؤسسه الامام المهدي، قم، جلد 1، صفحه 69-71. و محمد باقر مجلسى، بحار الانوار، پيشين، جلد 15، صفحه 257 علامه محمد باقر مجلسى، پيشين، جلد 15، صفحه 275 و 274.

18. ضحى/6.

19. براساس آيات قرآن انبياي ديگر نيز اينگونه بوده اند مثل سخن گفتن عيسى درگهواره و.... .

20. ابن هشام، السيره النبويه، بيروت دارالكتاب العربى، 1418ص 186-192.

21. عبد المجيد زندانى، بينات الرسول، مصر: دارالايما ن ص 18 و محققان باقر العلوم، سنن الرسول الاعظم ؛تهران: اميركبير 1385 ص 54.

22. امير على حسنلو، قرآن و معصومان درآينه ى علوى، قم: مشهور 1386 ص 100 به نقل از نهج البلاغه.

23. سيد جعفر مرتضى العاملى، الصحيح من سيره النبى الاعظم، چاپ دوم، بيروت: 1428 ج 2 ص 174.

24. همان، ص 175.

25. سيد جعفر مرتضى، همان، ص 176.

26. همان، ص 181.